محمدرضا نقدی گفته: آزادی در ایران به بهترین نحو موجود است؛ اگر رهبری لب‌تر کند میلیون‌ها جوان می‌ریزند همه چیز را زیر و زبَر می‌کنند.

مشکلات اقتصادی امروز ایران به آرای دیروز مردم برمی گردد؛



اگر امروز به وضع اقتصادی اعتراض داریم، قصور و تقصیر متوجه خود ماست چون به کسانی رأی دادیم که به‌دنبال سراب دیپلماتیک برای حل مشکلات اقتصادی کشور بودند.

به گزارش اسپادانا خبر، سردار نقدی در گفت و گویی تفصیلی با خبرگزاری فارس می گوید:

* انقلاب اسلامی، انقلابی **نه شرقی و نه غربی** بوده و مثل بسیاری از انقلاب‌ها تکیه‌گاهی از یک طاغوت بر علیه طاغوتی دیگر نداشته است و از همان اوایل انقلاب در شرق کشور با اتحاد شوروی و در غرب کشور با تمام ابرقدرت‌ها که از رژیم بعثی حمایت می‌کردند و در جنوب کشور با ارتش و ناوگان آمریکا در جنگ بودیم.

*با وجود چنین دشمن‌هایی رساندن انقلاب به ۴۰ سالگی کاری هنرمندانه و شاهکار ملت ایران است.

*** برای اولین بار رهبری کشور به جای یک فرد کم سواد یا بی سواد و ظالم و زورگو به ولایت الهی واگذار شد و مردم رهبری را از شاه ظالم گرفتند و به ولایت عادل سپردند.**

*شاهان نه تنها چنین فضیلت‌هایی نداشتند بلکه بعضی از آن‌ها صد در صد خلاف این فضیلت بودند، مثل **رضاخان نه تنها دانشمندترین نبود حتی صاحب دانش هم نبود، بلکه بی سواد بود و خواندن و نوشتن نمی‌دانست. آنقدر هم بی‌عرضه بود که بعد از ۱۶ سال شاهنشاهی بر ایران تا آخر هم کامل، سواد نوشتن را کامل و درست یاد نگرفت.**

***رضاخان نه تنها شجاع‌ترین نبود، بلکه بزدل‌ترین بود. چون وقتی دشمن به ایران حمله کرد کمترین مقاومتی نکرد و مثل برّه تسلیم شد. نه تنها با تقوا نبود بلکه دزد و غارتگر اموال مردم بود. وقتی به سلطنت رسید فقیر بود و وقتی از سلطنت عزل شد ۴۴ هزار ملک داشت که از مردم به زور غصب کرده بود.**

*جالب‌تر و مضحک‌تر اینجاست که برخی افراد که خود را استاد دانشگاه می‌دانند از طریق تریبون‌هایی که جمهوری اسلامی در اختیارشان گذاشته است، جمهوری اسلامی را کشوری غیر آزاد می‌دانند و هم‌زمان از رضاخان، که مجسمه اختناق و دیکتاتوری است، تعریف و تمجید می‌کنند.

*در دوران شاهنشاهی یک دیکتاتور برای همه مردم براساس منافع خودش تصمیم می‌گرفت و همه ملزم به اطاعت و گذشتن از منافع خود به نفع شاه بودند. انقلاب اسلامی به این وضعیت پایان داد.

*در زمان حکومت پهلوی نه فقط مردم بلکه شخص شاه نیز حق رای نداشت و برای وی نیز تعیین و تکلیف می‌شد. از طریق اسناد و خاطرات خاندان پهلوی و وزرا یاران خود شاه مشخص است که تمام نخست‌وزیران کشور را آمریکا و انگلیس نصب

می‌کردند.

*فرح پهلوی در خاطراتش نوشته است زمانی که ملکه شدم گمان می‌کردم که شاه تصمیم گیرنده است اما بعدها متوجه شدم عواملی خارجی در تصمیم‌گیری‌های شاه دخیل است. سفیر آمریکا در ملاقاتی با شاه به وی تشر زد که چرا شخصی را که آمریکا برای نخست وزیری انتخاب کرده را بر این مقام نمی‌گذارد؟ و شاه با درایت و تیز هوشی پاسخ داد که «انگلیسی‌ها شخصی دیگری را برای نخست وزیری مدنظر دارند؛ اول اختلاف بین خودتان را حل کنید و بعد به ما بگویید که چه کسی را بر سر کار بگذاریم». سفیر آمریکا هم در پاسخ به وی گفت که کسی که تو را در سال ۱۹۵۴ بر سر کار آورده می‌تواند تو را از هستی ساقط کند و جلسه را ترک کرد. شاه بلافاصله بعد از رفتن سفیر به نخست وزیر تلفن زد و گفت: استعفایت را بیاور و به کسی که سفیر آمریکا گفته بود نخست وزیر شود زنگ زد و گفت: بیا حکم نخست وزیری‌ات را بگیر.

* احزاب در کشورهای مدعی دموکراسی، کنسرسیوم‌های اقتصادی هستند

***انقلاب برای این کشور استقلال به ارمغان آورده است امروز به گواهی دوست و دشمن مستقل‌ترین کشور دنیا هستیم.**

*آزادی در کشور به بهترین نحو موجود است به طوری که در برخی از سخنرانی‌هایم در مدارس می‌بینم که پسر یا دختری ۱۲-۱۰ ساله بدون اینکه ترسی داشته باشد از بالا تا پایین نظام را مورد نقد قرار می‌دهد. این نشان می‌دهد که آزادی در کشور وجود دارد.

* رهبر انقلاب همواره مانع خدشه به مردم‌سالاری شده است

***مردم‌سالاری در ایران در جهان بی‌نمونه است. کشورهایی که داعیه‌دار دمکراسی هستند مردم‌سالار نیستند، حزب سالارند. حزب‌ها چه هستند؟**

*در این کشورها افرادی که محبوب مردم‌اند امکان ندارند در چرخه قدرت قرار بگیرند و اگر کسی قصد نماینده شدن را داشته باشد حتماً باید عضو این احزاب باشد.

*عده اوایل انقلاب مطرح کردند که ولایت فقیه دیکتاتوری است امام در جواب این عده با استدلال منطقی و فلسفی فرمودند که ولایت فقیه دیکتاتوری نیست ولایت فقیه ضد دیکتاتوری است.

***رهبری در موارد مغایرت رأی خود با مردم از رأی مردم دفاع می‌کند.**

***در سال‌های ۷۶، ۷۸ و ۸۸ قصد داشتند که انتخابات را باطل اعلام کنند و ریاست جمهوری را مادام‌العمر کنند اما ولایت فقیه جلوی این اشخاص ایستاد.**

*منطق افرادی که معتقد بودند ولایت فقیه دیکتاتوری می‌آورد این بود که اعتقاد داشتند این همه قدرت اگر در شخصی جمع شود دیکتاتوری می‌آورد اما دیدیم ۴۰ سال است نیروهای مسلح تحت امر ولایت فقیه هستند و روسای صدا و سیما و قوه قضائیه را، ولی فقیه عزل و نصب می‌کند؛ اگر کسی در این منصب قصد سواستفاده داشته باشد به راحتی می‌تواند شخصی را بالا یا پایین ببرد اما مهمتر از این مناصب نفوذ اجتماعی است که اگر رهبری لب‌تر کند میلیون‌ها جوان می‌ریزند همه چیز را زیر و زبَر می‌کنند اما در این ۴۰ سال آیا هیچوقت رهبری با این اختیارات و یا نفوذ اجتماعی خلاف مصالح ملّی عمل کرده است؟

*** در سال‌های اخیر رهبری فرمودند: من به نتایج مذاکرات خوشبین نیستم؛ فرمودند: آمریکایی‌ها بد عهدند و فرمودند: مشکلات اقتصادی مردم با مذاکره حل نمی‌شود اما ما مردم در انتخابات به چه کسی رای دادیم؟ به کسی که معتقد بود مذاکره از اکسیژن واجب‌تر است. در این قضیه نیز رهبری پشت رای ما مردم ایستادند و فرمودند: من به مردم سالاری دینی پایبندم.**

*حالا عده‌ای می‌گویند «چرا حضرت آقا فکری به حال مردم نمی‌کنند؟ مردم گرفتار گرانی هستند»؛ حال آنکه حضرت آقا این فکر را هشت سال پیش کردند و به ما هم گفتند اگر می‌خواهید اقتصادتان درست شود راهش مذاکره با آمریکا نیست، راهش اقتصاد مقاومتی است. به جای مذاکره بروید سراغ فعال کردن ظرفیت‌های داخلی مشکل حل می‌شود. ما خودمان نرفتیم. یعنی به کسانی رأی دادیم که به ظرفیت داخلی اعتماد ندارند. دنبال خارجند. وقتی ما خودمان اینطور خواسته‌ایم رهبری چه کند؟ فلذا گره نارسایی‌ها را باید به دست خودمان و با آراء خودمان باز کنیم.

* مردم خاطرات بدی را از رژیم گذشته دارند. حدود ۷۰ درصد مردم در روستاهای فاقد امکانات کافی زندگی می‌کردند. روستا آنطور که امروز می‌بینید نبود. قبل از سال ۵۷ روستا جایی بود که روشنایی خانه‌هایش با آفتاب و مهتاب بود و گرمایش این خانه‌ها با فضولات حیوانی و هیزم بود. اغلب روستاها جاده ماشین‌رو نداشتند، چه رسد به برق و مخابرات و گاز که رویا بود.

*در حکومت پیشین حتی بخشی از جاده‌های ترانزیتی کشور از قبیل: تهران به بندرعباس که یکی از جاده‌های مهم کشور هم

محسوب می‌شد خاکی بود. اکثریت مردم سواد خواندن و نوشتن نداشتند و ما حتی شلنگ آب را از اسرائیل وارد می‌کردیم.

*موج اول انقلاب و فضای جنگی که در کشور وجود داشت بستر را برای اینکه مسئولین به فکر منافع شخصی خود باشند باز نگذاشته بود. نمی‌توان گفت که هیچ‌گونه منفعت‌محوری در اوایل انقلاب وجود نداشت، چرا که آقای بهزاد نبوی زمانی که داشت در مجلس دوم استیضاح می‌شد در صحن مجلس خطاب به نمایندگان مجلس گفت: «مگر من به همه شماها ماشین (پاترول) ندادم؟!

* چنین خلاف‌ها و تبعیض‌هایی بود اما فضای جنگی که هنوز اجازه نمی‌داد مسئولان خودشان را در حال راحتی و رسیدن به مسائل شخصی ببینند مشکلات خیلی کمتر بود اما زمانی که جنگ تمام شد و دولت کارگزاران (آقای هاشمی) در کشور به روی کار آمد آن‌ها طبیعت کار و پیشرفت را وجود فساد می‌دانستند.

*** مرحوم هاشمی در بیان می‌گفت که من قائل به مبارزه با فساد هستم اما در عمل زمانی که من به دنبال افرادی بودم که فساد مالی داشتند ایشان به جای اینکه از ما حمایت کنند از آن افرادی (کرباسچی شهردار تهران) حمایت کردند که مرتکب فساد شده بودند.**

***حتی ایشان حمایت از فاسدان را به تریبون نماز جمعه کشاند و از این افراد حمایت کرد تا جایی که مردم نمازگزار به طور خودجوش شعار معروف مرگ بر غارتگر را در آن زمان سر دادند.**

*وقتی ما به این مسئله اعتراض داریم که چرا فلان وزیر ۲ هزار میلیارد سرمایه دارد باید به این هم توجه کنیم نماینده‌ای که ما انتخاب کرده ایم به او رای اعتماد داده و رئیس جمهوری که ما انتخاب کرده‌ایم آن را برای وزارت معرفی کرده است.

***خود ما رای داده‌ایم و اگر قصور یا تقصیری در این مسئله وجود داشته باشد از خود ماست. ما کشور مردم‌سالار هستیم. نه بنده و نه هیچکس نمی‌تواند و نباید جلوی آراء مردم بایستد. البته اگر مردم بخواهند حلال خدا را حرام و حرام خدا را حلال کنند، ولی فقیه جلوی آن را بستند، اما در چارچوب اسلام و قانون اساسی اداره کشور بر عهده خود ما مردم است.**

*اگر می‌خواهیم وزیر ۲ هزار میلیارد تومانی نداشته باشیم باید رییس جمهوری ساده‌زیست انتخاب کنیم باید شخصی را انتخاب کنیم که تفکر ساده زیستی داشته مخالف اشرافی‌گری باشد و وزیر سالم و پاک به مجلس معرفی کند. اگر می‌خواهیم وزیر زراندوز نداشته باشیم باید نماینده مجلس با صلابت انتخاب کنیم که به چنین وزیری رأی اعتماد ندهد.

*در انتخابات مجلس ۲ لیست وجود داشت که در یکی از لیست‌ها ۱۰ اقتصاددان برتر کشور وجود داشتند و در لیست دیگر هیچ اقتصاددانی وجود نداشت. افرادی که در لیست اول بودند معتقد بودند که مشکل اصلی کشور اقتصادی است و از طریق فعال کردن ظرفیت‌های داخلی بر مشکلات اقتصادی کشور فائق آمد اما افرادی دیگر که در لیست دوم بودند اعتقاد داشتند که مشکل کشور آزادی‌های جنسی و روابط زن و مرد است و باید افرادی روی کار بیایند که در جهت این نوع آزادی قدم بردارند آن‌ها می‌گفتند نیروهای انقلابی می‌خواهند در خیابان‌ها بین زن و مرد دیوار بکشند و کنسرت‌ها را لغو کنند و ما می‌خواهیم سرکار بیاییم که اینطور نشود.

*ما مردم به چه کسی رأی دادیم؟ به گروه دوم که از اقتصاد چیزی نمی‌دانستند و به ظرفیت ملی اعتقادی نداشتند و به حل مشکلات مردم از طریق امتیاز دادن به خارجی‌ها می‌نگریستند. حالا معترضیم که چرا مشکلات اقتصادی حل نمی‌شود. خب با این انتخاب ما چرا باید مشکلات اقتصاد حل شود؟ این نشان می‌دهد که در انتخاب‌های خود دقت نکرده ایم ما خودمان چنین افرادی را انتخاب کردیم.

***انتخابات شوخی نیست که بگوییم این کاندیدا با فلان هنرپیشه یا فوتبالیست عکس گرفته پس باید به این رأی بدهیم**. یا فلان شعار قشنگ را داده است. ما از طریق انتخاب‌های خود سرنوشت چهار سال آینده کشور را تعیین می‌کنیم به عنوان مثال شورای شهر پیشین تهران، فعال با عملکردهای بسیار مثبت بود، اما شورای فعلی در طول یک سال و نیم عمر خود را سه شهردار عوض کرده و حتی نمی‌تواند پروژه‌های ناتمام شورای شهر قبلی را هم تکمیل و به اتمام برساند. آیا یک دیکتاتور به ما دستور داده که چنین شورای شهری را انتخاب کنیم؟ آیا یک استعمارگر خارجی این شورا را به ما تحمیل کرده است؟ نه خیر، خودمان رأی داده‌ایم نمی‌شود موقع رأی دادن بی مبالاتی کنیم و بعد از کسی دیگر بخواهیم مشکلات ما را حل کند.

*همیشه به نیروهای انقلابی گفتم که در دوره جنگ رزمنده‌ها تلاش زیادی برای حفظ انقلاب کردند شش ماه، شش ماه بچه هایشان را نمی‌دیدند، اما چند نفر از ما هستیم که برای روشنگری، نه شش ماه و شش هفته بلکه شش روز برای روشنگری از خانه و کاشانه به دور مانده باشیم؟ ما در حال حاضر چقدر برای روشنگری تلاش کردیم؟ این مسئله حرف امام را دوباره تداعی می‌کند که حفظ پیروزی از خود پیروزی سخت‌تر است.

*اولاً که دکترین نظام جمهوری اسلامی مبارزه با فساد است.

***مبارزه با فساد مستمرّا در حال انجام است**

*ثانیاً مبارزه با فساد به طور مستمر در حال انجام است. باید در این زمینه دچار غلو و خود تخریبی نشویم. به عنوان مثال اگر رئیس بانک مرکزی ما دچار فساد شود می‌گویند که ببینید کار مملکت به کجا رسیده است که رئیس بانک مرکزی هم اختلاس می‌کند و به این استناد می‌گویند «فساد همه جا را فرا گرفته است»، اما اگر همین مورد در کشور مثل کره جنوبی در سطح خیلی بالاتری مثل رئیس جمهور اتفاق بیفتد، نمی‌گویند «ببین فساد در کره جنوبی به کجا رسیده که شخص اول مملکت هم آلوده شده است»، بلکه می‌گویند که «قاطعیت در مبارزه با فساد را باید از کره‌ای‌ها یاد گرفت».

*در قضیه فساد شهرداری هم اکثر روزنامه‌ها افرادی را که به دنبال برخورد با فساد بودند، محکوم کردند. تنها جلسه هیئت دولت که حدود پنج ساعت برای یک موضوع تشکیل شده به مسئله دفاع آقای محمد خاتمی رئیس جمهور سابق ایران از فساد آقای کرباسچی که شهردار تهران بود اختصاص یافت.

* فساد در نظام جمهوری اسلامی سیستماتیک نیست

*چنین رئیس‌جمهور مدافع فساد را یک دیکتاتور نصب نکرده، نیروهای خارجی چنین فردی را که از فاسد اقتصادی دفاع می‌کند را نصب نکرده‌اند، خودمان انتخاب کردیم پس باید در انتخاب هایمان دقت و توجه کافی را داشته باشیم و افرادی عدالت خواه را انتخاب کنیم نه کسانی مانند محمد خاتمی را که در اوج مشکلات مردم ۵ ساعت وقت هیئت دولت را برای دفاع از این مفسد اقتصادی هدر داد.

*نظام ما نظامی سالم است و فساد در آن به صورت سیستماتیک نیست من به عنوان یکی از مهمترین منتقدان فساد که از این مسئله هم ضربه‌های زیادی خورده ام و حتی تا پای مجازات شدن هم رفته و در آخرین مرحله تبرئه شده‌ام می‌گویم تبلیغات سوئی که رسانه‌های بیگانه بر علیه ما دارند غالباً دروغ و اغراق‌آمیز است.

*همسر رضاخان در خاطراتش درباره سال ۱۲۹۸ شمسی یعنی یک سال قبل از کودتای سوم اسفند می‌نویسد: در یک خانه اجاره‌ای در حسن آباد زندگی می‌کردیم و اموال ما شامل یک زیلو، یک تشت، یک کوزه، ۲ دست لحاف و تشک، یک لحاف کرسی و ۲ صندوقچه و مقداری خرت و پرت بود.

*** بعد از اتمام دوره سلطنت، رضاخان ۴۴ هزار ملک به نام خود ثبت کرده که در مرکز اسناد هم موجود است. رضاخان این املاک را به پسر خود محمدرضا واگذار کرد که املاک غصب شده را به مردم تحویل دهد، اما او نیز بخشی از اموال را به مردم داد و بخش عمده آن را برای خود تصاحب کرد.**

* مفسدان دانه‌درشت با چراغ سبز دولت سازندگی به کشور بازگشتند

*بعد از دستگیری آقای درمنی بعضی عناصر دولتی آن موقع از وی حمایت می‌کردند، اما اینکه دلیل کنارگذاشتن من از ستاد مبارزه با قاچاق کالا شخص درمنی باشد نمی‌توانم با قاطعیت بگویم، اما از آنجایی که دستگیری آقای درمنی همزمان بود با جابجایی بنده، اینطور تحلیل شد.

*مفسدهای دانه درشت غالباً عناصری بودند که بعد از انقلاب به خارج فرار کرده بودند و بعد از پایان جنگ به اسم اینکه سرمایه به داخل کشور بیاورند با چراغ سبز بعضی مسئولان مثل رئیس دولت سازندگی و شهردار اسبق تهران برگشتند، این‌ها شروع‌کننده فسادهای کلان در کشور بودند مانند عامل فساد خودرویی اخیر، آقای «ه» که در پرونده شهرداری دستگیر کردیم و بعد از گفتگو با وی متوجه ارتباط خود و خانواده‌اش با صهیونیسم جهانی شدیم.

* بازداشت مفسدان نشانه پاکدستی ناجا و سایر ضابطان قضایی است

*** به سپاه التماس می‌کنند، بعد علیه آن صحبت می‌کنند**

*فساد سیستماتیک را باید در دستگاه حکومت پهلوی جستجو کرد که عمل رشوه و رشوه خواری را امر قبیحی نمی‌دانستند و آن را ثبت می‌کردند.

*فرح پهلوی در کتاب خاطرات خود می‌نویسد «خاندان پهلوی بدون پرداخت حتی یک ریال پول در تمام موسسات بزرگ اقتصادی کشور سهامدار بودند». مزیت این بخشش سهام به خاندان پهلوی این بود که صاحبان این موسسات در برابر ماموران مالیات، گمرک و ... مصونیت داشتند.

*اگر فساد مالی سیستماتیک در کشور وجود داشت هیچگاه پرونده‌های مفسدین اقتصادی به نتیجه نمی‌رسید. در حالی که در دوران پهلوی حتی یک نفر از این خاندان بابت مفاسد به دادگاه احضار نشده است. ولی در جمهوری اسلامی، زمانی که مراجع قضایی با دانه درشت‌ها برخورد می‌کند، اموال آن‌ها را مصادره و حبس‌های طویل المدت یا حتی اعدام به آن‌ها می‌دهد نشان از این است که فساد در این کشور سیستماتیک نیست.

*اگر فساد در نهادهایی همچون نیروهای مسلح در کشور وجود داشته باشد، قطعاً باید پرونده‌ای هم برای آن وجود داشته باشد. آن‌ها که مدعی می‌شدند که غالباً افراد مرتبط با دولت‌ها یا حتی بعضاً مقامات هستند چرا تا حالا حتی یک پرونده هم ارائه نکرده‌اند؟

*برخی از دولت‌ها حتی به سپاه التماس می‌کنند که قرارگاه سازندگی، برخی از پروژه‌های کلان کشور را بر عهده بگیرد چراکه این قرارگاه به مراتب کارها را بهتر و کیفی‌تر انجام می‌دهد اما همین دولتی‌ها وقتی به مشکل اقتصادی برخورد می‌کنند و نمی‌توانند جواب مردم را بدهند، ناجوانمردانه طوری وانمود می‌کنند که سبب این اختلالات اقتصادی ورود نیروهای مسلح به این کارهاست و گاهی حتی کنایه درباره قاچاق به این نیروها می‌زنند تا به نحوی از اشکالات فراوان کارشان که عمدتاً ریشه در اعتماد به بیگانگان است طفره بروند و در طرف دیگر مصاحبه می‌کنند که چرا سپاه وارد اقتصاد شده است؟

* عوامل اصلی فساد را بشناسیم و آن‌ها را تحت فشار قرار دهیم

*وزارت اطلاعات گمرک و مالیات زیر مجموعه دولت است اگر حتی کوچکترین کالایی توسط نهاد نظامی قاچاق شده است اعلام کنند به دادگاه نظامی ارجاع دهند چرا اعلام نکرده‌اند؟ چون صحت ندارد.

*سپاه سد محکمی در برابر آمریکا و سیاست‌های او است و هرگاه آمریکا به‌طور مختلف قصد داشته است که در کشور نفوذ کند با مشت محکم سپاه مواجه شده است؛ از هوا می‌آید پهپادش را سپاهی‌ها می‌گیرند؛ از دریا می‌آیند تفنگدارانش را سپاه می‌گیرد. از زمین تروریست می‌فرستند نیروی زمینی در مرز شرق و غرب کشور متوقفش کرده است؛ تهاجم فرهنگی می‌کنند، بسیجی‌ها خنثی می‌کنند؛ تهاجم اقتصادی می‌کنند، بسیج سازندگی آن را به شکست می‌کشد؛ تروریست‌ها را به جان مردم عراق و سوریه و افغانستان می‌اندازد و می‌خواهد تروریسم را به ایران بکشد، نیروی قدس سپاه آن‌ها را متلاشی می‌کند. معلوم است باید از ما عصبانی باشند و جوسازی کنند و طبیعی است، از این رو آمریکا تمام رسانه‌های خود را علیه سپاه پاسداران، بسیج کرده است.

* باید از قضات در برخورد با فساد حمایت شود، تا احساس نکنند بدون حامی هستند

*در انقلاب اسلامی پسر پرنفوذترین شخص کشور یعنی آقای مهدی هاشمی به دلیل جرایم مالی به زندان افتاد، اما هیچ رسانه‌ای این مساله را تحسین نکرد. مردم باید علیه این روزنامه‌ها و رسانه‌ها که از مفسدین حمایت می‌کنند اعتراض کنند و آن روزنامه و رسانه را تحریم کنند.

*در حادثه پلاسکو بسیاری از رسانه‌های بیگانه جمهوری اسلامی را ناکارآمد اعلام کردند، اما چند ماه بعد که برجی بزرگ در لندن آتش گرفت و ۷۹ نفر در آن سوختند هیچ رسانه‌ای اعلام نکرد که حکومت انگلیس ناکارآمد است. نباید اسیر جنگ‌های روانی دشمن بر علیه خود شویم و دست به خودتخریبی بزنیم.

*در کتابی ۵ جلدی که در دست چاپ است ۴۰ تجربه از انقلاب را به عنوان گزارشی به نسل چهارم ارائه کرده ام. بایدی از تجربه‌ها استفاده کنیم هر ملتی که از تجربه گذشتگان خود استفاده نکند مستحق و شایسته سرزنش است.

*بعد از پیروزی انقلاب اسلامی سازمان‌های جاسوسی دنیا در ایران نفوذ کردند و هر کدام از آن‌ها یک گروهک تروریستی را در ایران حمایت کرد. آمریکا سلطنت‌طلبان و کودتاچیان داخل ارتش ایران را حمایت کرد و خلق مسلمان را راه انداخت. انگلیسی‌ها در خوزستان گروه‌های خلق عرب را راه اندازی کردند. فرانسوی‌ها در کردستان با حزب بعث گروهک‌های دموکرات و کومله را حمایت کردند. اتحاد شوروی حزب توده و چریک‌های فدایی و کمونیست‌های شرقی را حمایت می‌کرد. چین حزب رنجبران و راه کارگر و پیکار در راه آزادی طبقه کارگر را حمایت کرد. تمام این گروهک‌ها اقدام به توطئه و بعضاً ترور سران کشور کردند و افراد عالی رتبه کشور را به شهادت رساندند، امّا همه این مسائل را پشت سر گذاشتیم. افرادی که در گروهک‌های تروریستی بودند سابقه چندین و چند سال در کار تشکیلاتی داشتند، اما ما توانستیم گروه انقلابی توکل بر خدا و خودباوری بر آن‌ها پیروز شویم.

*همه مولفه‌های مورد نیاز برای رسیدن به اقتصاد درجه یک پیشرو را در داخل کشور داریم و هیچ نیازی به کشورهای خارجی نداریم. پس چه چیزی کم داریم؟ اگر دستمان هم خالی بود با فرمول تجربه شده در سایر مشکلات می‌توانستیم پیش برویم. حالا که دستمان هم پُر است، پس چرا مشکل حل نمی‌شود؟ چون در برخورد با سایر مشکلات تلاش کردیم از فرمول انقلابی استفاده کنیم و اینجا متوسل به فرمول غیر انقلابی شده ایم در مشکلات قبلی اگر توانستیم با دستان خالی بر دشمن با دستان پر غلبه کنیم، چون به خدا توکل کردیم، خودباوری و اعتماد بنفس داشتیم، از بیگانگان قطع امید کردیم و همین‌ها موجب شد که ظرفیت‌های داخلی خودمان را بشناسیم و از آن‌ها استفاده حداکثری کنیم، امّا برای حل مشکل اقتصاد با وجود اینکه دستمان پر است خلاف آن مسیر را رفتیم.

* دروغ بزرگی که به ملت گفته شده است این است که از طریق روابط خارجی می‌توانیم به شکوفایی اقتصادی برسیم حال آنکه این موضوع که روابط خارجی بتواند اقتصاد شکوفا کند ادعایی است که نه در هیچ کتاب نظری اقتصاد نوشته شده و نه در هیچ جای دنیا عملاً تجربه شده است هر کشوری اقتصادش شکوفا شده ظرفیت هایش را شناخته و با قوت آن‌ها را فعال کرده است این تجربه جهان برای تحول اقتصادی است و راهکارهای دیپلماتیک فقط سراب و دروغ است.

برچسب ها: سپاه پاسداران [1]
فساد [2]
تاریخ [3]
رهبر انقلاب [4]

انقلاب [5]